

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

حمید عطا آدم

۲۰۱۰ - ۰۱ - ۱۳

در سالگرد حمله بر غزه

غزه ای غرقه به خون،.. و دیوار پولادین!

سال پار در چنین شب و روزی ما شاهد یکی از خونین ترین و بیرحمانه ترین جنگهای عصر بودیم، که روی حسابات خاص کشورهای قدرتمند، توجه کمتری بر آن صورت گرفته و چه بسا که به جای جلادان، قربانی ضعیف را به ملامت گرفتند!

زهر پروسه دیموکراتیک:

بعد از اینکه پروسه انتخابات پارلمانی میان فلسطینیان در فلسطین، منجر به پیروزی سازمان حماس گردید (۲۵ جنوری ۲۰۰۶)، مردم فلسطین و تمام جهان شاهد سلسله تحرکات غیر دیموکراتیک در رابطه به این نقطه داغ کره زمین شدند که بعدتر، تاثیر آن بر فرد فرد فلسطینی به صورت منفی به مشاهده رسید.

همزمان با ظهور نتایج انتخابات، پارلمان فلسطین که اکثریت آن مربوط به سازمان (الفتح) تحت ریاست محمود عباس بود و آخرین روزهایش را میگذشتاند، اقدام به تصویب قوانینی به نفع ریاست دولت خود گردان که محمود عباس آنرا اشغال کرده بود، به خاطر مقید ساختن حکومت آینده که قطعاً به رهبری حماس تشکیل میگردد، نمود.

پیروزی حماس نه تنها عده ای از رهبران سیاسی حزب حریف (الفتح) را نا راحت ساخته بود، بلکه بشمول اسرائیل عده ای از کشورهای عربی را نیز ناراحت نموده بود. البته در سطح جهانی هم بدون اندک ترددی میتوان دریافت که اکثریت کشورهای قدرتمند غربی و در مقام اول امریکا، که بدون قید و مرزی از سیاست اسرائیل تا سرحد افراط دفاع و پیروی مینمایند، از نتیجه این انتخابات ناراحت شدند. این انتخابات که به گواهی تمام سازمان های بین المللی غربی انتخاباتی بود دیموکراتیک، شفاف و آزاد، برای مردم بلا کشیده فلسطین سبب شد تا بیشتر درد و رنج استعمار و حامیان آنرا به جرم انتخابشان بچشند.

درین جهان، عجایب حیرت آوری ظهور میکند که از جمله میتوان از مفهوم و استفاده از کلمه "دیموکراسی" یاد کرد که در هر جایی به شکلی مورد معامله قرار میگردد. اگر به بهانه نبودن دیموکراسی در مناطقی از عالم، کشور هایی مورد گوشمالی قرار میگیرند، در جاهایی هم مردمی به جرم تطبیق همین دیموکراسی در زندگی شان باید از سوی مودیستان و مدعیان دیموکراسی، عذاب کشند، البته چند بهانه جانبی را هم به آن باید افزود. از همین جهت

مردم فلسطین در حالی که از قبل هم وضعیت شان درد آور بود، مورد توبیخ قرار گرفتند، تا اینکه بهانه محاصره غزه را در تابستان سال ۲۰۰۶ دریافتند.

در جون سال ۲۰۰۶ ملیشه های فلسطینی در غزه موفق به دستگیری و اختطاف یک سرباز اردوی اسرائیل از سنگرش گردیدند که این قضیه سبب شد تا اسرائیل تمام مداخل حدودی اش را بر روی دخول و خروج امتعه و ضروریات مورد نیاز فلسطینیان در غزه به شکل شبه کلی ببندند. تنها ممری که فلسطینیان غزه میتوانند از طریق آن با خارج ارتباط گیرند بندر "رفح" میان غزه و مصر بود که توسط قوت های مشترک اروپایی، فلسطینی و مصری کنترل میگردد.

بعد از تشکیل حکومت حماس، امریکا و کشور های اروپایی به شمول تعدادی از کشورهای عربی در آوردن فشار بر حکومت جدید در پهلوی اسرائیل قرار گرفتند، کمک های اقتصادی شان را به فلسطین مشروط ساختند به اعتراف رسمی حماس به موجودیت اسرائیل و ترک حماس آنچه را غربیها و اسرائیل تروریزم مینامیدند و فلسطینیان آنها مقاومت مشروع برای آزادی وطن میشناختند، چنانچه بانک ها در فلسطین از نقل و انتقال ارزی برای حکومت، روی فشار همین جهت ابقاء ورزیدند، چیزی که فشار آنها نه تنها حکومت جدید، بلکه همه مردم فلسطین متحمل شدند، این حالت اعضای حکومت جدید را وادار کرد تا مبالغی را نقداً توسط اعضای حکومت و حرکت حماس وارد فلسطین سازند که ادخال معاش مأمورین در غزه با مشکلاتی در بندر رفح مصری، تنها بندر قابل استفاده برای اعضای حماس، همراه بود. اما مشکلات اقتصادی نمیتوانست با چنین کارهایی کاهش ملحوظ یابد. سرانجام این مشکلات بهانه بود برای به حرکت در آوردن گروههایی در داخل ادارات حکومت فلسطین تا دست به اعتصاب زده و حکومت حماس را زیر فشار بیشتری قرار دهند. همچنان برای فشار بیشتر بر حرکت حماس، اسرائیل اقدام به دستگیری اعضای پارلمان و حکومت حماس نموده، دهها عضو آنها به زندان های اسرائیلی انداخت.

کشور های اروپایی و امریکا که ممول [تمویل کننده] اساسی دولت خود گردان فلسطینی اند، (که اساساً این دولت روی همین مساعدات خارجی پا برجاست)، اگر از سویی کمکهایشان را به فلسطینیان در موجودیت حماس در حکومت، معلق ساختند ولی در جانب دیگر کمک هایشان را برای عباس و گارد نظامی مربوط وی که از حکومت تبعیتی نداشتند، بیشتر ساختند. این گونه تعامل با فلسطینیان سبب امتداد و تعمیق درز، میان حرکت فتح که در وجود محمود عباس بصورت رئیس دولت خود گردان تمثیل میشد و حرکت حماس که در تشکیل حکومت تبارز داشت، گردید.

گرچه حکومت در مناطق خود گردان فلسطینی توسط حماس تشکیل گردیده بود، ولی حلقاتی مربوط به حرکت فتح و از جمله رؤسای سازمان های امنیتی داخل حکومت و آنانیکه از این تغییر دراماتیکی در میدان سیاست خساره مند شده بودند، هرگز آماده نبودند تا صلاحیت اداره و امور کاری را به حکومت انتخابی تسلیم نمایند یا از اوامر حکومت پیروی کنند، از همین جهت در زیر کرسی حکومت علنی و رسمی، حکومت سایه و صاحب اختیار، در وجود افراد حرکت فتح و بالأخص در وجود قوت های امنیتی وجود داشت که نظریه معاهدات سابقه میان حکومت فلسطینی تحت رهبری فتح از یکسو، و حکومت اسرائیل از سوی دیگر سازمان های امنیتی فلسطینی و اسرائیلی با هم در ارتباط بودند. این مؤسسات مسلح امنیتی در مواقع زیادی خود را تابع به حکومت جدید ندانسته بلکه روی حسابات تنظیمی خود کار کرده و مستقیماً خود را با رئیس دولت خود گردان فلسطین محمود عباس که مربوط به فتح بود ارتباط میدادند و به اوامر و خواستهای وزیر داخله حکومت جدید اهمیتی قائل نبودند. چیزی که وزیر

داخله وقت را وادار به تشکیل گروه‌های امنیتی جدیدی کرد که از سوی رئیس دولت غیر قانونی دانسته شده حکم الغای آنرا صادر کرد. افراد وابسته به فتح اعتقاد داشتند که با این فشارها میتوان حکومت حماس و در نهایت حرکت حماس را از صحنه سیاسی فلسطین دور سازند.

ادامه این وضعیت باعث شد تا روابط بین دو جریان سیاسی بزرگ در فلسطین ؛ فتح و حماس بعد از یک فترت جنگ تبلیغاتی، به سرایشی جدل فیزیکی و درگیری های مسلحانه سقوط نماید.

وضعیت دشواری که در نتیجه حاکمیت حماس بر حکومت خود گردان فلسطینی به وجود آمده بود عده ای از فلسطینیان و از جمله زندانیان فلسطینی در اسرائیل را وادار به توجیه پیامهایی برای طرفهای درگیر فلسطینی در رابطه به ساختن یک حکومت مختلط نمود، به گونه ای که بعضی از وزارت های کلیدی از دست حماس خارج گردیده تا جامعه بین المللی بدون اینکه با حماس تماس مستقیم داشته باشد بتواند با فلسطینیان در تعامل باشد.

این ندا و تلاشها بالاخره به تاریخ ۰۲-۰۸-۲۰۰۷ منتج به امضای ورقه مصالحه روی تشکیل حکومت جدیدی میان حرکت‌های فتح و حماس در مکه مکرمه گردید.

به گفته بعضیها ، هنوز رنگ این معاهده خشک نشده بود که نشانه هایی از قرار نگرفتن این معاهده به کرسی عمل، دیده شد. اتهامات از هر دو طرف درگیر، مبنی بر فرار از تطبیق کامل توافقنامه مکه بر یکدیگر، آسمان وسائل ارتباطات جمعی را در فلسطین پوشانید.

به گفته حماس : این گروه به خاطر وحدت میان فلسطینیان از حقوق اساسی شان در حکومت گذشته، حاضر شدند تا کرسی های کلیدی را از دائره صلاحیت خود کشیده در اختیار دیگران قرار دهند، چنانچه تسلیم وتوزیع اموال کمکی را از طریق دفتر رئیس دولت خود گردان پذیرفت، بدون اینکه حکومت حماس در آن دخلی داشته باشد. ولی با تمام اینها مشکل مردم رو به تزاید گذاشته، وعده ای هم خواهان سقوط و زوال حماس بودند، ولو به هر قیمتی که شود.

شکست در خانه فلسطینی:

تابستان سال ۲۰۰۷ در ماه جون ، برخورد مسلحانه ای میان طرفداران فتح و حماس در " غزه " صورت گرفت که سازمان فتح در مقابل حماس شکست خورده شماری از رهبران بلند پایه آن به اسرائیل پناهنده شدند. این برخورد را سازمان فتح و رهبری آن به نام انقلاب حماس بر حاکمیت قانونی (!؟) تلقی کرده که به تعقیب آن محمود عباس رئیس دولت خود گردان فلسطینی، حکومت حماس به رهبری اسماعیل هنیه را برطرف نموده و از شخصی به نام سلام فیاض خواست تا حکومت جدیدی را به دور از حماس تشکیل دهد.

حماس در باره این برخورد اظهار داشت که: سازمان فتح و افراد وابسته به گروه‌های امنیتی مربوط به آن در غزه تحت قومنده یکی از چهره های جنجال برانگیز سازمان فتح به نام " محمد دحلان"، به تحریک یکی از جنرالان امریکایی بنام "کیت دایتون" که وظیفه نظارت بر ادارات امنیتی فلسطینی را به عهده داشت وظیفه گرفته بود، تا اقدام به تصفیه رهبران حماس نماید، ولی حماس این نقشه را قبل از پیاده شدن کشف کرده و عناصری را که به گفته حماس میخواستند دست به چنین کاری بزنند در غزه که مرکز حماس به حساب میاید در جنگ خونینی تصفیه نمود. این برخورد و برتری حماس در حالیکه از هر جهت در محاصره بود برای فتح، اسرائیل و خیلی از ناظرین تعجب انگیز بود و نشانی بود از بیداری و آمادگی حماس درمقابل پیش آمد های سریع و خطر. ازین به بعد فلسطین عملاً دو قسمت گردید.

یکی : باریکه غزه زیر حاکمیت حماس که فرمان رئیس دولت خودگردان را غیر قانونی خوانده و خود را حکومت قانونی میدانستند.

دوم : ناحیه غربی رود اردن که به رهبری محمود عباس رهبر سازمان فتح و رئیس دولت خودگردان فلسطینی اداره میشد.

این برخورد مسلح در غزه عاملی بود تا هیأت های اروپایی و اسرائیلی از تنها معبر غزه با دنیای خارج (رفح) ، بدر روند و حکومت مصری روی این دلیل که وجود هیأت های اروپایی و اسرائیلی در بندر رفح شرط باز شدن آن است، این تنها منفذ مردم غزه را با خارج بست . کوششها و تضمیناتی که حکومت حاکم در غزه برای حکومت مصر در راستای باز شدن بندر میداد سودی نبخشید و غزه در محاصره همه جانبه قرار گرفت.

این محاصره امید هایی را برای مخالفین حماس به وجود آورد تا مگر بتوانند با شورانیدن مردمی که بگمان شان از این وضعیت ناراض خواهند شد، حماس را به زانو در آورند، که این کار صورت نگرفت.

مردم غزه در مقابل این برخورد حکومت مصر، دست به از بین بردن موانعی زدند که غزه را از شبه جزیره سینای مصر جدا میکرد، اهالی غزه برای خرید مایحتاج خویش به سوی بازار های شبه جزیره سینا در مصر هجوم بردند. آنها بعد از خرید مایحتاج شان دوباره به غزه برگشته ترس و بیمی را که عده ای در بین مصریان رایج میکردند مبنی بر اینکه سینا به محل بود و باش مهاجرین غزه بدل خواهد شد عاری از حقیقت ساخت. حکومت مصر در مقابل این حرکت چند واکنش تند لفظی به خصوص توسط وزیر خارجه " احمد ابوالغیط " از خود نشان داده ، سه روز راه دخول و خروج بین غزه و مصر را باز گذاشت. از میان مردمی که به خاک مصر وارد شده بودند فقط عده ای از افراد حماس را به زندان افکندند که به گفته حماس و تصریحات زندانیان، مورد تعذیب تا سرحد مرگ بعضی از این محبوسین انجامید، و تاهنوز هم عده ای از آنان نزد حکومت مصر در بند اند.

سازمان فتح و اسرائیل بعد از پیروزی حماس در انتخابات ۲۰۰۶ به صورت علنی و حکومت مصر، اردن همراه با بعضی از کشورهای دیگر عربی توسط وسائل اطلاعاتی وابسته به حکومتان حماس را متهم به پیروی از بیگانگان و به صورت روشن از ایران مینمودند، که در مقابل حماس همواره به روابط حسنه با تمام طرفداران قضیه فلسطینی و از جمله با ایران تأکید داشته ولی به صورت قاطع وابستگی شان را با ایران و هر کشور دیگر رد میکردند.

چون راه های ورود و خروج به غزه همه مسدود بود، و حکومت مصر برای جلوگیری از تکرار شکستن حدود مصری تعداد زیادی از عساکرش را در سرحد جابه جا کرده بود، اهالی غزه اقدام به نقب زدن میان غزه و مصر کردند تا مواد ما یحتاج شان را از طریق همین تونلها به طور قاچاق به غزه نقل دهند. مسدود کردن این تونلها یکی از مطالبی بود که امریکا و اسرائیل همیشه از حکومت مصر آنرا خواهان بودند. ولی حکومت مصر نظر به خدشه دار شدن اعتبارش در میان مردم علناً اقدام به تخریب این تونل ها نمیکرد، گرچه وقت و ناوقت حملات نا گهانی بر این تونل ها داشت.

در جهان خارج، افرادی که خود را غمشریک مردم فلسطین در این محاصره میدانستند اقدام به سیر قافله های امدادی توسط کشتی و بعداً توسط کاروانهایی از موتر های لاری و بوس مملو از مواد خوراکی و ادویه به سوی غزه نمودند، که با مشکلات زیادی از جانب اسرائیل و حکومت مصر مواجه گردیده ولی با اصرار بالاخره به غزه وارد میشدند.

برگشت سرباز اسیر، شرطی بود که اسرائیل برای دور کردن محاصره غزه قرار داده بود. اما حماس میخواست تا سرباز اسرائیلی را در بدل اسرای فلسطینی در اسرائیل (ولوکه به هر حزب و گروهی وابسته میباشند)، آزاد سازد. حکومت اسرائیل برای رهایی سرباز اسیرش به صورت غیر مستقیم با حماس در تماس شده تا تنها سرباز اسیرش را در برابر تعدادی از اسرای فلسطینی که تعداد مجموعی شان به ۱۰ هزار، شامل زنان و کودکان تقرب میکند، به دست آرد. این مذاکرات غیر مستقیم مدت زیادی را در برگرفته تا حدودی پیشرفتی میکرد ولی در نقطه حساسی دفعتاً توقف مینمود. حماس در بدل این سرباز خواهان آزادی تعداد زیادی از اسرای فلسطینی و از جمله تعداد کسانی که حبس ابدی داشته و یا از رهبران سازمان های فلسطینی بودند، گردید.

در مورد وحدت میان فلسطینیان با پا درمیانی حکومت مصر کوششهایی برای آشتی طرفین : فتح و حماس، صورت گرفت که هر دو طرف را به امضای معاهده صلح دعوت میکرد .

سال ۲۰۰۸ مشحون از ملاقات ها و رفت امد های هیأت ها در رابطه به تبادل اسرا و آشتی فلسطینیان بود . اما در خفا اسرائیل ترتیبات دیگری هم داشت. تجاوزات اسرائیل بر حریم فلسطین همراه با قتل ، تخریب منازل و به زندان افگندن فلسطینیان، که سازمان حماس این اعمال را مخالف قرارداد آتش بس موقت میان سازمان حماس و اسرائیل میدانست ، در جریان بود. بعد از انتهای تاریخ این آتش بس، سازمان حماس برای تجدید قرارداد آتش بس تضمینات مؤثق مبنی بر وفای اسرائیل را به قرار دادی که میندند خواهان شد، که طرفهای میانجیگر نتوانستند چنین تضمینی را بدهند لذا حماس به دلیل آنچه آنرا عدم التزام اسرائیل به تعهداتش میدانست حاضر به تجدید این آتش بس نشد.

اواخر سال ۲۰۰۸، سازمان حماس اعلان داشت که به اسناد و شواهد کتبی و تصویری از مراکزی که مربوط به افراد وابسته به سازمان فتح در غزه بود دست یافته اند که در آن اسناد، درکنار ثبوت ارتباطات بعضی از شخصیت های داخل فتح با اسرائیل، اسنادی وجود دارد که بعضی از شخصیت های بلند سیاسی، حتی در داخل سازمان فتح را ، گروه های استخباراتی که به افراد مشخص مافیایی در سازمان فتح وابستگی داشتند، توسط فیلم برداری مخفیانه از هماغوشی شان با زنهایی که به همین منظور استخدام میشدند و یا دادن پول، به شکل گروگان در قبضه خود گرفته و بعدا از آنها میخواستند تا مطابق به میل همین گروه ها کار کرده اوامر شان را به جا آرند. به گفته حماس؛ این گروه ها در نهایت در خدمت استخبارات اسرائیل قرار داشتند، و افراد گروگان گرفته شده را در خدمت منافع اسرائیل قرار میدادند.

اعلان جنگ از بالکن وزارت خارجه مصر:

به تاریخ ۲۵ دسمبر ۲۰۰۸ سیبی لیفنی وزیر خارجه اسرائیل سفری به قاهره پایتخت مصر داشت، بعد از مذاکرات سری با مقامات مصری در یک کنفرانس خبری در دفتر وزیر خارجه مصر در حالیکه احمد ابوالغیط در کنارش ایستاده بود، تهدیدی شدید اللحنی را به حماس فرستاد. وزیر خارجه مصر نه تنها موقف مخالفی با لیفنی نگرفت بلکه با لهجه ملامت بار حماس را ملامت نمود. این موقف حکومت مصر را عدهٔ بیشماری از سیاست مدارانی که قضایای شرق میانه را تعقیب میکنند، به توافق اسرائیلی- مصری در مورد ضربه مرگبار بر حماس، توجیه کردند.

روز ۲۷ دسمبر ۲۰۰۸ را اسرائیل روز نقطه پایان گذاشتن به زندگی سیاسی حماس با بمباردمان شدیدی بر مراکز حکومتی و سازمانی حماس اعلان داشت . اسرائیل هدفش را از این حمله، سرکوب پرتاب کنندگان راکت به سوی اسرائیل (شهرک های اعمار شده در خاک های اشغالی فلسطینی)، و آزادی سرباز اسیرش اعلان کرده

بودند. بزرگترین ضربه را درین روز مرکز آموزشی امنیت شهری دید که به تعداد صدها نفر که در محفل توزیع شهادتنامه به فارغ التحصیلان جدید از این مرکز جمع شده بودند زخمی و کشته شدند.

همزمان با شروع حمله اسرائیل سازمان فتح و حکومت موجود در رام الله، حمله بر غزه را استقبال کردند، چنانچه وسائل خبری از تجمع افرادی از سازمان فتح تحت رهبری محمد دحلان در ساحه سینای مصری خبر میدادند که در انتظار سقوط و فرار اعضای حماس از غزه بودند. همچنان حکومت مصر در اولین عکس العمل خویش بر حمله اسرائیلی بالای غزه حماس را مخاطب قرار داده که به نصایح ما گوش نکرده و نتایج آنرا باید تحمل کنند.

طبق گزارشات خبری، حکومت اسرائیل همراه با حکومت مصری و سازمان فتح حاکم در رام الله مرکز فلسطین در کرانه غربی رود اردن، انتظار داشتند تا حکومت حماس در غزه ظرف کمتر از یک هفته سقوط کرده، عده ای از آنها بقتل خواهند رسید و متباقی در مخفیگاهها پنهان و یا به خاک مصر پناهنده خواهند شد.

خلاف انتظار منتظرین این جنگ به طول کشید و اسرائیل از هر نوع اسلحه، که استعمال بعضی از آنها ممنوع گفته میشود هم استفاده کرد. ولی حماس خلاف توقع خیلی ها، به مردم وعده پایداری و مقاومت را داد. غزه از چهار سو در محاصره بود و دستهای جنگی اسرائیل هم تا آخر باز !.

۲۲ روز آتشباری، قتل، تخریب و استفاده از مهلک ترین اسلحه، نتوانست مردم غزه و حکومت حماس را به زانو در آورد. عکس العمل مردم در کشورهای مختلف جهان در مقابل این حمله روز به روز تند تر میگشت. در میان کشورهای جهان موضع گیری هوگو چاویز رئیس جمهوری وینزویلا و حکومت ترکیه خیلی براننده تربود. کشورهای بزرگ غربی علناً حمایت شان را از اسرائیل اعلان داشتند. اینها راکت پرانی های ملیشیه های فلسطینی را از غزه که اکثراً به جای خسارت مادی وحشت روانی در میان ساکنین شهرک های مستعمراتی اسرائیل تولید میکرد عامل کافی برای چنین حمله مرگبار و تباه کن میدانستند. در میان کشور های قابل ذکر عربی تنها سوریه لبنان، لیبیا و قطر از ابتداء علناً اسرائیل را محکوم کردند. سازمان ملل متحد نتوانست زیر فشار دولت های مقتدر غربی حامی اسرائیل کاری به پیش ببرد. و حکومت مصر هنوز هم سرحد را بر روی مردم که هرگز به سوی آن به خاطر فرار نیامدند بسته بود، تنها بعد از مدتی که از جنگ سپری شد و مردم غزه مقاومت نشان دادند سرحد را برای عبور عده محدودی از مجروحین میگشودند که فلسطینیان از برخورد عده ای از مسئولین مصری با مجروحین نیز شاکی بودند.

خلاف توقع آنانی که در افروختن جنگ، مستقیم یا غیر مستقیم سهیم بودند، این جنگ به درازا کشید. حتی پیش بینی های تلویزیون های اسرائیلی که جنگ را در ظرف چند روز و با پیروزی مهاجمین پیش بینی نموده بودند، حقیقت پیدا نکرده بلکه وارد هفته چهارم شد. (واقعات جنگی هدف بحث نیست، مراجع و منابع بیحد و حصری است که علاقمندان را میتواند معلومات کامل دهد.)

با به طول کشیدن جنگ، و مقاومت غیر منتظره مردم در غزه، افراد و حکومت های عربی که منتظر ورود قوای مهاجم در غزه بودند تا در قفای ایشان، افراد جمع شده در سینای مصری برای عملیات جزئی و کوچکتر داخل شوند، لهجه شان را تغییر داده؛ صدای همنوایی با مردم غزه را سردادند. و با حالت شرمندوک از اسرائیل و اعمالش در غزه نکوهش کردن را آغاز کردند.

درین جنگ نابرابر حوالی ۱۴۵۰ فلسطینی که اکثریت آنرا مردم ملکی تشکیل میدادند و حدود یک ثلث آن زنان و اطفال بودند، کشته شدند، که همزمان حدود ۵۵۰۰ زخمی داشتند. طبق اظهارات مقامات رسمی اسرائیل به تعداد ۱۴ تن عسکر اسرائیلی کشته و ۱۶۸ تن دیگر زخمی شدند.

این جنگ ۲۲ روز دوام کرد که خلاف میل و اراده حمله کنندگان و طرفدارانشان بود، از آنجاییکه سازمان ملل متحد دنباله رو قدرت های زور گو است ، نتوانست کاری را برای حمایت افراد بیگناه فلسطینی حتی در ساختمانهای مربوط به سازمان ملل در غزه ، انجام دهد. نظر به شواهدی که در اختیار اطلاعات جمعی قرار گرفت اسرائیل در این جنگ پابند هیچ قیدی نبوده از همین جهت مکاتب ، پوهنتون، شفاخانه، پناه گاهها، خانه های مسکونی و.... مورد حمله عساکر اسرائیلی قرار گرفت.

اهداف اسرائیل از این جنگ که همانا از بین بردن حماس و برگرداندن حکومت طرفدار فتح بر غزه ، آزاد ساختن سرباز اسیر اسرائیلی " گلعد شالیت " از جنگ ملیشیه های حماس و باز داری فلسطینیان از شلیک راکت های خود ساخت فلسطینی بر اهداف اسرائیلی بود، هیچ یک تحقق نیافت. ولی در عوض اسرائیل در نظر تعدادی از کشورهاییکه حامی وی بودند و همچنان افکار عمومی جهانی ، به خاطر قتلهای خارج از حد و مرزی که انجام داده بود بی اعتبار گردید.

آنچه در این جنگ، نا متوقع بود، موقف حکومت مصری و رئیس دولت خود گردان فلسطینی است که با هر نوع مساعی برای توقف اسرائیل از ادامه جنگ و کمک به مردم غزه کار شکنی مینمودند. تا اندازه ای که حکومت مصر از ارسال مواد کمکی طبی و غذایی بعضی از کشورها و یا رفتن طبیبانی جهت مداوای مجروحین ممانعت به عمل آورد، صرف برای افراد محدود و معینی و در مواردی که خود حکومت مصر میخواست مواد اندکی را اجازه دخول میداد. این درحالیست که وضعیت در غزه وخیم تر از این بود که بتوان با چنین کمک های ناچیزی بدانشان رسید.

بعد از این جنگ اسرائیل در مجامع بین المللی و مدافع حقوق بشر محکوم گردید از جمله در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد طبق راپور قاضی گلدستون متهم به جنایات جنگی گردید. که در بعضی حالات میتواند تا جنایت ضد بشریت ارتقاء کند. چنانچه حماس را نیز به علت پرتاب راکت های خود ساخت که غالباً زیان جانی نمیداشت و تنها تخریب مبانی، و رعب و وحشت را در میان شهرک های مستعمراتی اسرائیل ایجاد مینمود محکوم نمودند. به نظر عده زیادی از طرفداران قضیه فلسطین ومدافعین حقوق بشر، مصیبت وقتی به اوجش رسید که حکومت محمود عباس در جلسه اولی کمیته حقوق بشر مربوط به سازمان ملل متحد در ژینو از نماینده اش خواست تا به خاطر نجات اسرائیل از محکوم شدن، عدم بررسی تحقیقات قاضی گلدستون را در کمیته حقوق بشر تقاضا نماید.

در نتیجه این جنگ صدمات جبران ناپذیری بر غزه و سکان آن وارد شد، در کنفرانسی که بعد از جنگ برای بازسازی غزه دائر شد تعهد رسانیدن کمک برای بازسازی غزه داده شد اما این وعده تا امروز که تقریباً یکسال از آن وعده ها میگذرد عملی نگردیده است، چون اسرائیل مانع ورود هر نوع مواد و از جمله مواد تعمیراتی برای دوباره سازی منازل و مناطق مخروب شده گردیده است.

وقتی برادر به نمایندگی از دیگران جلاد برادرش میگردد!:

اگر اسرائیل مانع رسیدن کمک به غزه از بنادر خودش میشود تا حدی شاید قابل فهم باشد، ولی آنچه را مصر در نرسانیدن کمک و همیاری با مردم غزه بسر میرساند برای خلیفها تعجب آور است.

اهالی غزه که در امتداد خط کوتاهی با مصر همسرحدند، بعد از مسدود کردن حکومت مصر مرزش را با غزه ، از تونل هایی میان غزه و مصر برای قاچاق مواد خوراکی و دیگر مایحتاج شان استفاده میکردند که وقت و نا وقت از سوی اسرائیلی ها و احياناً مصری ها مورد هجوم قرار میگرفتند، چنانچه در تازه ترین راپوری که توسط

جمعیتی از مدافعین حقوق بشر در انگلستان تهیه گردیده، حکومت مصر از وسائل متنوعی برای سرکوب استفاده کنندگان از این تونل ها کار گرفته که استفاده بعضی از این وسایل نظر به قوانین بین المللی ممنوع میباشد. طرفداران مردم فلسطین که میدیدند بیش از یکنیم میلیون انسان در بزرگترین تجمع انسانی در کره زمین از محاصره رنج میبردند، اقدام به رساندن مواد طبی و خوارکی به ساکنین غزه کردند. یکی از مشهورترین سازماندهندگان کمک به فلسطینیان و معارضان شدید محاصره غزه **جورج گالوی** نماینده سابق مجلس عوام بریتانیا است که رهبری آخرین قافله کمک رسانی را به عهده داشت. حکومت مصر که خود را حامی مردم فلسطین قلمداد میکند، از وجود حماس به صورت کل در فلسطین، و به صورت اخص در غزه ناراحت بوده و وجود آنرا درد سری برای خود میداند، لذا برای سرکوب حماس و لو به قیمت جان سکان غزه هم باشد، نمیخواهد چیزی وارد غزه شود. از همین رو اقدام به بستن تونل هاییکه فلسطینیان برای بقای خویش در مرز غزه و مصر کنده بودند نمود. برای اینکه به این هدفشان که همانا محروم کردن سکان غزه از استفاده از این تونلها برای قاچاق ما یحتاج شان بود، برسند، اقدام به دیوار کشی بر روی زمین وهمچنان زیر زمین نمودند.

عده ای که اوضاع رقت بار مردم را در غزه پیگیری میکردند، خواستند تا ولو به اندازه کوچکی هم باشد کمکی به سکان غزه که در محاصره قرار داشتند برسانند. روی همین منظور به تاریخ ۲۰۰۶-۱۲-۲۰ قافله ای به نام "شاهرگ زندگی"، مرکب از انواع مختلف عراده جات که مملو از مواد طبی و سائر مواد مورد نیاز عاجل را با خود حمل میکرد، به رهبری جورج گالوی که قبلاً هم رهبری کاروان مدد رسانی به غزه را عهده دار بود، از لندن به سوی شهر غزه در حرکت شد. این قافله بعد از استقبال در مسیر راهشان و بعد از پیمودن فاصله زیادی بالاخره به اردن رسید تا از آنجا به مصر داخل شده خود را به غزه برسانند. حکومت مصر قافله را که مرکب از ۲۵۰ عراده موتر و ۵۰۰ نفر از کشور های مختلف جهان بودند وادار به برگشت از بندر عقبه اردن به بندر لاذقیه سوریه کرد تا از آنجا به منطقه سینای مصر و بعدا به غزه داخل شوند. بالاخره این قافله با تاخیر بیش از یک هفته از تاریخی که مد نظر داشتند بتاریخ ۰۵-۰۱-۲۰۱۰ توانستند وارد غزه شوند. قبل از دخول به غزه، عساکر مصری این کاروان را با انواع مزاحمت و مشکل تراشی بدرقه کردند، زد و خوردی که در پای دروازه بندر، میان طرفین رخ داد، سبب شد نزدیک به ۵۰ نفر از اعضای کاروان به شمول تعدادی از مستقبلین در آنسوی مرز توسط قوای نظامی مصر زخمی شوند که وضعیت چند تن ایشان وخیم اعلان شد. در جانب مقابل یک عسکر مصری کشته و تعدادی هم زخمی شدند.

حکومت مصر مرگ سربازش را نتیجه فیر از آنسوی مرز عنوان کرد. در حالیکه اعضای کاروان میگویند که عسکر مصری در اثر مرمی دوستانش به قتل رسید. مرگ این سرباز عاملی بود تا حکومت مصر و هوادارانش به کمپاین شان علیه حماس و غزه بیفزایند، چنانچه از این حادثه برای توجیه بنای **دیوار فولادی** که میان غزه و سرزمین مصری به مصرف امریکا کشیده میشود استفاده صورت گرفت.

این **دیوار فولادی** که به طول ۱۰ کیلومتر میان غزه فلسطینی و سینای مصری کشیده میشود، در قسمت هایی این تخته های ضخیم علاوه بر سطح زمین، به عمق ۳۰ متر در زیر زمین نیز جا داده میشود تا مانع هر نوع کندن تونل توسط مردم غزه برای نقل مواد غذایی از جانب مصری به مردم در بند کشیده شده غزه شود. حکومت مصر به این دیوار در روی زمین و زیر زمین اکتفاء نکرده بلکه پایپ لاین آبی را نیز میخواهد به موازات این دیوار در زیر زمین بکشد تا زمین نمناک گردیده توان پایداری تونل را از بین ببرد.

پی آمد این حصارکشی به دور غزه این بود که مردم غزه را در انتظار یک فاجعه حقیقی قرار دهد. از همین رو با مخالفت شدید مردم در گوشه و کنار جهان قرار گرفت. حکومت مصر که در ابتداء منکر چنین کاری بود، بعد تر برای این عمل خود دلایل امنیتی را پیش میکرد، این در حالیست که سرحد مصر با غزه از امن ترین سرحدات مصر محسوب میگردد. حکومت مصر از تمام وسائل برای آرام ساختن افکار عمومی جهان و از جمله مصری های مخالف با سیاست های دنباله روانه حکومت مصر از اسرائیل دستگاههای دینی را نیز به حرکت در آورده، توسط سید طنطاوی که در مسند رهبری "ازهر" از سوی حکومت منسوب گردیده است، فتوای جواز چنین حصارى را به بیرون داد، که برای کمتر مسلمانی قابل قبول بود. در حالیکه علمای زیادی این دیوار کشی را شریک شدن در گرسنه نگه داشتن یکنیم میلیون انسان مظلوم دانسته آنرا شرعاً حرام گفتند. قابل تذکر است که در همین فترت زمانی که غزه در محاصره قرار گرفته و خصوصاً بعد از شراکت مصر در این حصار، به صدها فلسطینی به خاطر نرسیدن ادویه لازم، و یا اجازه نیافتن به عبور از بندر برای علاج، به خارج از غزه جان هایشان را از دست داده اند، که مسؤولیت مرگ این مظلوم ترین قشر جامعه بشری (بیماران) بر گردن محاصره کنندگان و همکاران شان قرار میدهند.

در محکوم کردن این حصار پولادین که شاید در تاریخ معاصر نمونه نداشته باشد، نه تنها مردم غزه بلکه تمام آنانیکه به کرامت بشری احترام دارند شریک شدند چنانچه احتجاجاتی در اکناف جهان علیه محاصره غزه که عده ای آنرا به نام "بزرگترین زندان دسته جمعی در دنیا" نام گذاری کرده اند صورت گرفت. اعتبار یکی از بزرگترین کشور های عربی و اسلامی به خاطر شراکتش در این محاصره سخت خدشه دار شد. این موقف گیری حکومت مصری در پهلوی مواقف دیگری که خلاف توقع، در ضدیت با منافع جمعی عربی قرار میگیرد از شأن و وزن این کشور در میان کشورهای عربی و اسلامی میکاهد.

بار دیگر، حکام فلسطینی در بخش کرانه غربی رود اردن که توسط سازمان فتح اداره میشود، در تضاد با مردم غزه قرار گرفته، از این دیوارکشی به دور غزه دفاع کردند.

چنانچه محمود عباس و حکومت فتح در کرانه غربی رود اردن به شمول حکومت مصر متهم اند به اینکه ایشان از اسرائیل خواسته اند تا تبادل صدها فلسطینی اسیر در زندان های اسرائیلی را در مقابل سرباز اسرائیلی به بهانه اینکه محبوبیت حماس در بین مردم فلسطین زیادتیر خواهد شد به تعویق اندازند. آنان به اسرائیلی ها وعده کرده اند که سرباز اسیرشان را به قیمت کمتری دوباره به اسرائیل از دست حماس مسترد نمایند.

مردم غزه با کمال ناباوری به قساوت برادران خونی خود، نسبت به خودشان مینگرند، از همین رو مردم غزه پیامهایی به سوی قاهره میفرستند که از انجام بد این عمل آنها را گوشزد میدارند. با تذکر این مطلب که قبل از تسلط انگلیس ها و سپس اسرائیلیها بر فلسطین، غزه ولایتی بود مربوط به مصر.

یکی از رهبران کلیسای کاتولیک در غزه کشیش "مانویل مسلم" که در تمام مصائب در کنار برادران مسلمان خود در غزه قرار داشته ضمن محکوم کردن محاصره غزه توسط مصریان، در صحبتی که از طریق کانال تلویزیونی "حوار" پخش شد اظهار داشت: اگر قرار باشد که مردم غزه در بند کشیده شوند و تمام راههای شان مسدود گردد، مردم غزه قهراً برای خود مخرجی خواهند جست و لی این مخرج هرگز به سوی اسرائیل نخواهد بود بلکه به سوی مصر خواهد بود و مردم غزه ترجیح خواهند داد تا خونشان در خاک عربی ریخته، و جسدشان در خاک عربی باشد تا در خاک اسرائیل.

و به این صورت میتوان پرسید: آیا میشود برادر، به نمایندگی از دیگران در مقابل منافع ناچیزی، جلاد برادرش گردد؟!،

یادداشت:

همکار نهایت عزیز و گرامی آقای "حمید عطا آدم" مطلب ارسالی تان را ضمن آنکه به نشر می رسانیم خدمت شما نیز به خاطر ارسال چنین مطلبی امتنان قلبی خویش را اعلام می داریم.

ما را اعتقاد بر آن است صرف نظر از آنکه مقامات فلسطین در زمان اشغال کشور محبوب ما افغانستان توسط روسهای اشغالگرچه عکس العملی از خود نشان دادند، مردم فلسطین را به مثابه بخشی از مظلوم ترین افراد جامعه بشری دانسته از هر جهت مستحق کمک و همکاری می دانیم.

پورتال به صراحت اعلام می دارد که به علاوه آنکه صفحات خود را بر روی مطالب افشاء کننده علیه اسرائیل متجاوز و غاصب باز می گذارد، به مثابه یک نهاد دموکراتیک و آزادیخواه، به نبرد آزادیخواهانه مردم فلسطین به مانند نبرد مردم خویش احترام گذاشته از ارائه هر نوع کمکی برای آنها دریغ نخواهد ورزید.

باز هم با تشکر از شما به خاطر ارسال این مطلب

اداره پورتال AA-AA